

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پژوهشکده زبان و ادبیات

پایان نامه دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی
سبک‌شناسی منشآت و مکاتیب فارسی از قرن ششم تا هشتم هجری

استاد راهنما

آقای دکتر تقی پورنامداریان

استادان مشاور

آقای دکتر ابوالقاسم رادفر

آقای دکتر علی اصغر میرباقری فرد

پژوهشگر

سحر مهربابی شریف‌آباد

آبان ماه ۱۳۹۶

از گمان نیک و یاری و راهنمایی همیشگی استاد ارجمندم، آقای دکتر تقی پورنامداریان ممنونم که چون خضر پی خجسته به همت خود مدد رسان من بوده‌اند.

دکتر ابوالقاسم رادفر و دکتر علی اصغر میرباقری فرد با یاری و راهنمایی خود در این راه بر من منت گذاشته‌اند و از ایشان سپاسگزارم.

به پایان رسیدن این رساله بی یاری سه تن ممکن نمی‌شد: نخست همسرم سیاوش خوشدل، و دیگر شاگردان پیشین و یاران امروزم خانم‌ها زینب سهیلی و نرگس پورمحمدیان رودسری. دوست دیرینم خانم دکتر سارا سعیدی نیز همواره همراه و مشوق من بود، و زبان از شرح مهربانی‌های او قاصر است.

تقدیم به

دبیران و نویسندگان از یادرفته ایران

چکیده:

پیشینه نامه‌نگاری به صورت قاعده‌مند و اصولی در میان ایرانیان، به پیش از اسلام می‌رسد. این قواعد شامل الگوهایی در زبان، ساختار و بلاغت می‌شود. از همان زمان، تدوین و جمع‌آوری نمونه‌های منشآت به عنوان نمونه‌هایی برای مبتدیان نیز رواج پیدا کرد. پس از اسلام نیز از قرن ششم به بعد چنین مجموعه‌هایی باقی مانده است. متون بررسی‌شده در این پژوهش، مجموعه‌های منشآت قرن ششم تا هشتم هستند. این دوره را می‌توان دوران اوج و شکوفایی نامه‌نگاری در ایران دانست؛ زیرا نثر فنی در این زمان به کمال خود رسیده بود و این پختگی در نثر منشآت - که به شکل سنتی فنی و آراسته نوشته می‌شدند - تأثیر گذاشت. در این پژوهش کوشش شده است تا ضمن شناسایی الگوهای سنتی در این آثار، نوآوری و فردیت نویسنده در نگارش آن‌ها بررسی شود. برای این بررسی، از سبک‌شناسی لایه‌ای استفاده شد که متن را در لایه‌های گوناگون نحوی، واژگانی و بلاغی بررسی می‌کند. پس از معرفی کتب منشآت و مکاتیب در این سه قرن، نیمی از آنها سبک‌شناسی شد. در آغاز به ساختار و موضوع و مخاطب پرداخته شد، و سپس عناصر مربوط به لایه‌های بلاغی و واژگانی و نحوی آنها استخراج و تحلیل گردید. در سبک هر نامه چهار عنصر تأثیر دارند: مخاطب، موضوع و زمان. دگرگونی هر یک از این سه عنصر باعث تغییر در سبک نامه می‌شوند. در تحلیل نتایج، تأثیر این سه عنصر بر متن نیز مد نظر بوده است.

واژگان کلیدی: منشآت و مکاتیب، سبک‌شناسی، دبیری، دیوانیات، اخوانیات، سلطانیات

در آغاز دوران دانشجویی نثر فنی برایم عرصه‌ای دشوار و ناشناخته می‌نمود. در نظر مبتدی من آثاری مثل *کلیله و دمنه* و *مرزبان‌نامه* دریایی از واژگان عربی و پیچیده بودند که مرا به مبارزه می‌طلبیدند. برای غلبه بر این نگرانی شروع به خواندن این متون کردم و اندک‌اندک آن‌چه زمانی مرا می‌ترساند شیرین و زیبا نمود. با این حال منشآت همچنان برایم دور از دسترس بودند. همه‌جا خوانده بودم که این نامه‌ها متن‌هایی هستند که در غایت تکلف و دور از احساس نوشته شده‌اند و زیبایی ویژه‌ای ندارند. با این دیدگاه و به اجبار آزمونی شروع به خواندن **منشآت خاقانی** کردم و این آغاز مسیری بود که این پژوهش نقطه‌ای در میانه آن است.

این متن را - که دوست‌داران کمی دارد - چنان زیبا دیدم که توجهم به سایر منشآت جلب شد. با توجه به پیشینه‌ای که از اثر شگفت‌انگیز بیهقی در ذهن داشتم سعی کردم که شخصیت و زمانهٔ دبیران را از خلال این متن‌ها جست‌وجو کنم. در نهایت به این نتیجه رسیدم که شاید اثری مثل عتبه‌الکتابه انتظار خواننده را از یک متن ادبی برآورده نکند؛ ولی بخشی از تاریخ و فرهنگ ایرانی را در خود دارد که کمتر به آن توجه شده است. فنّ نثر استاد خطیبی را با این دیدگاه مجدد خواندم و این بار دقت‌نظر و عظمت کار ایشان را بهتر درک کردم.

در هنگام نگارش رسالهٔ دکتری به دنبال موضوعی بودم که دربارهٔ منشآت باشد و در عین حال مطالب و تلاش‌های پیشینیان - از جمله استادان حسین خطیبی، جهانگیر قائم‌مقامی، حسن انوری و محمدتقی دانش‌پژوه - را تکرار نکند. زیرا در جست‌وجوی خود دیده بودم که هرچند رساله‌ها و پایان‌نامه‌های فراوانی با عناوین مربوط به منشآت تدوین شده‌اند، ولی هیچ یک نتوانسته‌اند نکته‌ای بر آثار این اساتید بیفزایند. با راهنمایی استاد ارجمند آقای دکتر تقی پورنامداریان، سبک‌شناسی منشآت و مکاتیب را برگزیدم و انواع مختلف سبک‌شناسی را در ارتباط با این متون بررسی کردم. در نهایت به تلفیقی از شیوه‌های سنتی و جدید روی آوردم. در این رساله، آثار را بررسی کرده‌ام و کوشیده‌ام تا نویسنده و موضوع و مخاطب و ساختار آن را به خواننده معرفی کنم. در بخش اصلی، با شمارش عناصر نحوی و واژگانی و بلاغی متن تلاش کرده‌ام تا آن را معرفی کنم.

با پیش رفتن در پژوهش متوجه شدم که حجم کار از آن‌چه من می‌پنداشتم خیلی بالاتر است. با این که اکثر پژوهشگران منشآت را همانند و فاقد فردیت دانسته بودند، دریافتیم که آثار هر فرد با دیگران تفاوت چشمگیری دارد و برای خواننده آشنا به راحتی قابل‌شناسایی است. در میان آثار یک نویسنده نیز گوناگونی فراوانی مشاهده می‌شد و به عنوان مثال انواع اخوانیات یک نفر از لحاظ نحو و واژگان متفاوت بودند.

به همین سبب، به خلاف میل باطنی‌ام ناچار شدم که از معرفی نسخ خطی چشم‌پوشی کنم. در نهایت به هجده اثر چاپی رسیدم که از آن میان دو کتاب *المختارات من الرسائل* و *فرائد غیائی* مجموعه منشآت بودند و نویسندگان متعددی داشتند. از میان شانزده اثر دیگر ناچار به انتخاب شدم، زیرا بررسی تمام آن‌ها نیاز به زمان خیلی بیشتری داشت. برای آثار منتخب دو معیار را برگزیدم: نخست این که تا حد ممکن ساختار رسمی نامه‌ها را داشته باشند؛ و دیگر این که کمتر مورد بررسی و توجه قرار گرفته باشند. به همین سبب دو اثر بسیار مشهور در این پژوهش بررسی نشده‌اند: *نامه‌های عین‌القضات و نامه‌های احمد غزالی*. زیرا جنبهٔ تعلیمی آن‌ها برجسته‌تر از هویت آن‌ها به عنوان یک نامه است. *مکاتیب سنایی* و *نامه‌های احمد غزالی* پیشتر سبک‌شناسی شده‌اند، نخستین در یک مقاله و دومی در یک کتاب. به مشخصات این آثار در بخش پیشینهٔ تحقیق پرداخته‌ام.

از انواع مختلف منشآت در هر اثر نامه‌هایی را برگزیده‌ام و عناصر مختلف آن‌ها را استخراج کرده و در جداولی نشان داده‌ام؛ سپس داده به دست‌آمده را تحلیل کرده‌ام.

در پایان امیدوارم که توانسته باشم گوشه‌ای از هنرهای مغفول طبقه دیبران ایرانی را بنمایم.

فصل اوّل: کلیّات

۱-۱- مسئله پژوهش

نامه‌نگاری رسمی در میان اقوام متمدن سابقه فراوانی دارد. در ایران، ردّ پای این ژانر را در تا پیش از اسلام می‌توان دنبال کرد. دبیران که نویسندگان نامه‌های رسمی درباری بودند، برای این کار تعلیماتی می‌دیدند. کتابی به نام «آیین نامه نوشتن» به زبان پهلوی از آن زمان به دست ما رسیده است که ظرایف و دقایق نامه‌نگاری رسمی را توضیح می‌دهد. این ضوابط شامل مواردی چون القاب و نحوه خطاب، شیوه شروع و اتمام نامه‌هاست. این شیوه پس از اسلام به وسیله کاتبان ایرانی نژاد به کتابت عربی منتقل شد. نامه‌نگاری در دستگاه‌های حکومتی ایران پس از اسلام، برگرفته از میراث کهن ایرانی و نیز تأثیر کتب آیین دبیری عربی است. (نک: خطیبی، ۱۳۸۶: ۲۸۴-۳۱۹) نخستین نمونه‌های اعلای نامه‌نگاری در این عصر را می‌توانیم در کتاب تاریخ بیهقی مشاهده کنیم. از قرن ششم به بعد، کتبی در فن نامه نوشتن به دست ما رسیده است که از زمره آن‌ها می‌توان از دستور دبیری (یا آیین دبیری) میهنی، آثار ابن حسام خویی (از دبیران سلاجقه روم) و دستورالکاتب فی تعیین مراتب از ابن هندوشاه نخجوانی نام برد.

نامه‌ها را به طور عام می‌توان به دو دسته سلطانیات (نامه‌های درباری و رسمی)، و اخوانیات (مکاتبات عادی افراد) تقسیم کرد. برخی سلطانیات را «مکاتبات پادشاهان با یکدیگر» تعریف می‌کنند و انواعی چون فتح‌نامه، منشور و عهدنامه را دیوانیات می‌خوانند.

نامه‌نگاری، نوعی از نگارش است که از قواعد بسیاری در لفظ و معنا پیروی می‌کند. قوانین فراوانی در زمینه‌های نحوه مخاطبات، القاب و ادعیه، آغاز و پایان نامه، صنایع ادبی به کار رفته در آن، رعایت کردن یا نکردن اسجاع و بخش‌بندی مکتوب بر مکاتیب اعمال می‌شده که سبب‌ساز همانندی و همسانی نامه‌ها با یکدیگر شده است. اختیارات دبیر به خصوص در زمینه نگارش سلطانیات و دیوانیات محدود بود و برترین کاتب، کسی بود که در چهارچوب‌های تعیین‌شده مهارت بیشتری به خرج می‌داد.

در اخوانیات، نویسنده نامه اختیارات بیشتری داشت. هر چند برای نگارش اخوانیات نیز معمولاً از قواعد وضع‌شده در کتب آیین دبیری پیروی می‌شود، ولی گوناگونی موضوعی و نیز تأثیر روابط کاتب و مکتوب‌الیه سبب شده که در اخوانیات تنوع بیشتری وجود داشته و تأثیر قلم و شخصیت نویسنده در آن مشهودتر باشد.

نثر منشآت اخوانی و دیوانی پس از قرن ششم، گرایش به نثر فنی دارد و این مسئله با گذر زمان بیشتر می‌شود، به نحوی که نثر منشآت در قرن ششم به کلی از نثر نامه‌های قرن پنجم - که در تاریخ بیهقی دیده می‌شود - متفاوت است.

شاخه دیگری از منشآت وجود دارد که با اغماض می‌تواند جزء اخوانیات به شمار آید، ولی در بررسی دقیق‌تر در نوع نثر، موضوع و ساختار با منشآتی که از فروع نثر فنی هستند متفاوت است. این دسته، نامه‌های عرفانی را شامل هستند که علاوه بر مکاتبات عادی، اهدافی چون آموزش مفاهیم عرفانی را نیز دنبال می‌کنند. برجسته‌ترین نمایندگان این نوع نثر، نامه‌های عین‌القضات و نامه‌های احمد غزالی هستند.

در مورد ریشه‌های تاریخی منشآت و نیز اسلوب و قوانین حاکم بر آن، پژوهش‌هایی انجام شده که پیشرو آن کتاب «فن نثر» استاد حسین خطیبی است و به بسیاری از پرسش‌ها در مورد سوابق نامه‌نگاری در ایران پاسخ گفته است. با این حال جای بررسی سبکی این نامه‌ها هنوز در پژوهش‌های ادبی ایران خالی است. پژوهشگر در این رساله قصد دارد با بررسی سبکی اهم متون منشآت و کنار هم نهادن خصوصیات آن‌ها، به نگرشی جدید نسبت به اسلوب نامه‌نگاری دست یابد.

۱-۲- موضوع پژوهش

موضوع این رساله سبک‌شناسی اهمّ متون منشآت و مکاتیب فارسی در قرن ششم تا هشتم است. نگارنده این پژوهش هفده متن اصلی را شناسایی و سیزده مورد را بررسی سبکی کرده است. در سبک‌شناسی متون تلاش شده تا از شیوه‌های نوین سبک‌شناسی استفاده شود تا خصوصیات این متون بهتر شناسایی و از تکرار گفته‌های پیشینیان پرهیز شود.

۱-۳- قلمرو پژوهش

زبان فارسی در قرون ششم تا هشتم گستره وسیعی را دربرمی‌گرفت که شامل هند، آسیای صغیر، ماوراءالنهر و ایران می‌شد. متونی که دربردارنده منشآت این قرون در این گستره هستند مورد بررسی ما قرار گرفته است. لازم به ذکر است که تمرکز ما در این پژوهش، تنها بر متونی است که منتشر شده‌اند و نسخ خطی بررسی و تحلیل نشده‌اند.

۱-۴- اهمیت و ضرورت پژوهش

منشآت و مکاتیب بخشی مهم از نثر فارسی -به خصوص نثر فنی- هستند. شاید جنبه‌های ادبی آن‌ها به اندازه متون تعلیمی و داستانی -چون کلیله و دمنه و گلستان و مرزبان‌نامه- نباشد، ولی نشان‌دهنده بخشی از آداب و فرهنگ ایرانیان در مکاتبه و مواجهه با افراد دیگراند. نویسنده نامه باید از ارزش و جایگاه واژگان خود و تأثیر آن بر مخاطب آگاه می‌بود و قوانینی را در مورد بخش‌بندی نامه‌ها و جملاتی که برای مقاصد مختلف مناسب بودند، می‌آموخت. همچنین اندک‌اندک، تکلف و آرایش کلام به نامه‌ها هم راه یافت و تغییراتی در آن‌ها ایجاد کرد.

با این حال، کمی نسخه‌های کتب دربردارنده منشآت و مکاتیب نشان‌دهنده این است که این متون در طی تاریخ چندان موردتوجه نبودند؛ و فوننی که نویسندگان آن‌ها در آرایش کلام می‌بردند، کمتر از هنرنمایی‌های نویسندگان متون داستانی و تاریخی به چشم دوستداران ادبیات فارسی آمده است. احتمالاً نخستین بار استاد حسین خطیبی بود که به منشآت و مکاتیب توجه ویژه‌ای نشان داد و جزییات فراوانی را در مورد آن‌ها یافت. با این حال پژوهش ایشان و اکثر کسان دیگری که به این موضوع در پایان‌نامه‌ها و رساله‌های خود پرداخته‌اند، متمرکز بر چند متن اصلی و شاخص بوده است: التوسل الی الترسل، عتبه‌الکتابه، نامه‌های رشید و طواط، غزالی و عین‌القضات.

لازم است که متون بیشتری بررسی شوند، و علاوه بر آن خصوصياتی غير از ساختار کلی متون موردتوجه قرار بگیرند.

۱-۵- اهداف پژوهش

۱. شناسایی و معرفی منشآت و مکاتیب نگاشته شده از قرن ششم تا هشتم هجری
۲. توصیف ساختار ظاهری و خصوصیات سبکی منشآت
۳. بررسی وجوه شباهت و تفاوت منشآت مختلف با هم
۴. بررسی تحوّل نثر منشآت در قرن ششم تا هشتم

۱-۶- کاربردهای پژوهش

این پژوهش الگویی برای سبک‌شناسی متون منشآت پیشنهاد می‌کند. همچنین در بررسی تاریخ تطوّر نثر فارسی، به خصوص نثر فنی، کاربرد دارد. بررسی نامه‌های عرفانی برای پژوهندگان متون عرفانی مفید خواهد بود.

۱-۷- نوع پژوهش

رساله حاضر، پژوهشی بنیادی است.

۱-۸- سؤال‌های پژوهش

۱. رویکرد مناسب برای سبک‌شناسی منشآت کدام است؟
۲. سبک فردی نویسندگان منشآت چیست؟
۳. چه عواملی در شکل‌گیری سبک نویسندگان منشآت تأثیر دارد؟
۴. سبک دوره در منشآت چه خصوصياتی دارد؟

۱-۹- فرضیه‌های پژوهش

۱. سبک‌شناسی منشآت با سبک‌شناسی متونی چون شعر و داستان و نمایشنامه فرق می‌کند. برخی از رویکردهایی که در تحلیل متون داستانی و نمایشی و اشعار کاربرد دارد، در تحلیل منشآت نتیجه‌ای را دربرنخواهد داشت. رویکرد مناسب باید خصوصيات بارز متن را توصیف کند و بتواند از آن تحلیل و نتیجه‌ای ارائه دهد.

۲. نگارش منشآت تابع قراردادهای و قوانین فراوانی در لفظ، معنا و ساختار است. برای شناختن سبک فردی نویسندگان منشآت باید این متون را با دقت بررسی کرد تا اندک تفاوت‌هایی که نوشته یک نویسنده را از نویسنده‌ای دیگر متمایز می‌کند یافت شود.

۳. عواملی چون موضوع نامه، مخاطب و سنت‌های نامه‌نگاری زمانه در شکل‌گیری سبک نویسندگان منشآت نقش دارد.

۴. منشآت در دوره‌های تاریخی مختلف، خصوصیات مختلفی را داشته‌اند. ابتدا هدف این متون انتقال مناسب معنا و تأثیرگذاری بر مخاطب بوده است، اما با گذشت زمان، اندک‌اندک آرایش کلام نیز در آن‌ها راه یافته است.

۱-۱۰- تعریف واژه‌های مهم و کلیدی

مکاتیب و منشآت: نویسنده *غیاث‌اللغات* منشآت را چنین معنا می‌کند: «جمع مُنشآت که صیغه اسم مفعول است از انشاء و مراد از منشآت، مسودات و عبارات و تصنیفات است» (از لغتنامه). مکاتیب، منشآت، نامه‌ها یا مکتوبات نام‌هایی هستند که به نوشته‌ای که فردی خطاب به فرد یا افراد دیگری می‌نویسد، اطلاق می‌شود. این نامه‌ها می‌توانند مخاطبی خاص داشته باشند یا خطاب به گروهی از مردم نوشته شده باشند. مکاتیب را می‌توان به شیوه‌های مختلف دسته‌بندی کرد: براساس نثر، موضوع، مخاطب و هدف. (برای تفصیل این مطلب و دسته‌بندی نامه‌ها ر.ک: درپر، ۱۳۹۲: ۱۲۴-۱۳۲)

دبیر: دبیر، کاتب یا منشی فردی بود که در دربار پادشاهان و بزرگان به کار نوشتن نامه‌ها اشتغال داشت. استاد پورداود معتقد است که دبیر در اصل واژه‌ای سومری و از ریشه «دوب» به معنای خط و نوشته است. این لغت در متون پهلوی به صورت «دپیپر» و «دپیور» مشاهده می‌شود. (به نقل از لغتنامه) استاد تفضلی درباره ریشه واژه دبیر می‌نویسد: «واژه فارسی دبیر از دبیر فارسی میانه یا پهلوی و آن از دبیره فارسی باستان گرفته شده و واژه فارسی باستان نیز از *tup-pi-ra/tipira* ایلامی مشتق شده است. در فارسی میانه برای دبیر اصلاح دبیری را به کار می‌بردند و در زبان پارسی واژه دبیریت مصطلح بود». (تفضلی، ۱۳۸۵: ۳۵)

بعد از اسلام، علاوه بر دبیر، واژگان منشی و کاتب هم به کار می‌رفت. واژه کاتب، علاوه بر دبیر، معنای دیگری نیز دارد: «کاتب فرستنده نامه باشد، اگر خود نویسد و اگر دیگری» (خویی، ۱۳۷۹: ۸)

۳۱۶) در این تعریف، که ابن حسام خوبی در آثار خود مکرر به کار برده است، کاتب در برابر «مکتوب الیه» یا «مخاطب» قرار می‌گیرد و لزوماً با دبیر یا نویسنده نامه یکی نیست.

درباره دبیری و تاریخ و آیین‌های آن در فصل چهارم به تفصیل سخن گفته‌ایم.

سبک‌شناسی: برای این واژه تعاریف متفاوتی ارائه شده است که در فصل آینده به بررسی دقیق‌تر آن‌ها خواهیم پرداخت. به طور کلی، سبک‌شناسی علمی است که به بررسی خصوصیات زبانی و فکری و ادبی یک اثر می‌پردازد و مشخص می‌کند که این اثر چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی با آثار دیگر دارد و چه عواملی به آن تشخیص می‌بخشد.

۱۱-۱- پیشینه پژوهش

۱-۱۱-۱- کتاب‌ها

نخستین و مهم‌ترین پژوهش در زمینه نامه‌نگاری فن نثر استاد حسین خطیبی است. درباره این اثر در فصل سوم توضیح خواهیم داد. دیگر پژوهش‌ها عبارت‌اند از:

* **نامه‌های رشیدالدین وطواط: قاسم تویسرکانی (۱۳۳۸):** این کتاب در اصل برگزیده‌ای از دو مجموعه نامه رشیدالدین وطواط (*عرایس الخواطر و ابکار الافکار*) به همراه چند نامه از منابعی دیگر است؛ ولی بیشترین حجم آن را مقدمه و حواشی تویسرکانی تشکیل می‌دهد. هرچند این مقدمه درباره زندگی و آثار رشید است، ولی از خلال آن مطالب ارزشمند و فراوانی راجع به ساختار نامه‌ها، خصوصیات و محتوای آن‌ها به دست می‌آید. شیوه مرحوم تویسرکانی در این مقدمه مبتنی بر سبک‌شناسی تاریخی است.

* **اسناد و نامه‌های تاریخی از اوائل دوره‌های اسلامی تا اواخر عهد شاه اسماعیل صفوی:** **علی موید ثابتی (۱۳۴۶):** این اثر برگزیده‌ای از اسناد و نامه‌های تاریخی است که از منابع فراوانی - اعم از چاپی و خطی - گردآوری شده است. برخی از این نامه‌ها در اصل به عربی هستند و مؤلف آن‌ها را به فارسی ترجمه کرده است. برای اکثر فرمان‌ها مقدمه و حواشی نوشته شده است. نویسنده در تدوین این مجموعه اهمیت تاریخی آن‌ها را مدنظر داشته است:

«در حقیقت مجموعه این کتاب یک سلسله تاریخ مستندی را به دست می‌دهد که در ضمن آن بعضی از قسمت‌های تاریک و مجهول زمان‌های گذشته تاریخ ایران روشن و معلوم می‌گردد.» (مویدثابتی، ۱۳۴۶: پنج)

مقدمه این کتاب از لحاظ معرفتی منابع منشآت بسیار ارزشمند است. مؤلف توضیحی در مورد خصوصیات سبکی و ساختاری منشآت نداده است.

* **مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی: جهانگیر قائم‌مقامی (۱۳۵۰):** این کتاب پژوهشی بسیار مهم و ارزشمند و مشابه و در سطح فن نثر استاد خطیبی است، با این تفاوت که استاد خطیبی بیشتر از لحاظ نثر به این متون توجه کرده و قائم‌مقامی بیشتر ساختار این مکاتیب و منابع و شیوه پژوهش در آن‌ها نظر داشته است. از مزایای این کتاب تصاویر آن است که نمونه‌های از نامه‌ها، فرمان‌ها، مهرها و طغراها را نشان می‌دهد.

فصل‌های شش‌گانه کتاب عبارت‌اند از: مقدمات، آرشیو، انواع اسناد تاریخی (سلطانیات، دیوانیات، اخوانیات و اصطلاحات و انواع آن‌ها)، ترکیبات اسناد (بخش‌های مختلف نامه‌ها و چگونگی نوشتن آن‌ها)، آداب نگارش اسناد و بررسی و تحقیق اسناد.

* **اصطلاحات دیوانی غزنوی و سلجوقی: حسن انوری (۱۳۵۵):** این کتاب در اصل درباره دیوان‌های دوره غزنوی و سلجوقی و اصطلاحات مربوط به آن است؛ اما در بخش «دیوان رسائل» درباره ساختار، تاریخچه دبیری، آداب دبیران و انواع نامه‌ها اطلاعات ارزشمندی دارد.

* **سبک‌شناسی نامه‌های غزالی با رویکرد گفتمان انتقادی: مریم درپر (۱۳۹۲):** این کتاب بر مبنای سبک‌شناسی انتقادی نوشته شده است. نویسنده مفهوم سبک‌شناسی انتقادی و تحلیل گفتمان را بیان نموده و در فصل سوم اثر خود به نامه‌نگاری فارسی پرداخته است. در این فصل به نامه‌نگاری به عنوان یک ژانر نگرسته و ویژگی مشترک و متمایز آن‌ها بررسی شده است. پیشنهاد نویسنده برای رده‌بندی نامه‌ها بسیار ارزشمند و دقیق است. در فصل‌های بعد پنج نامه از غزالی انتخاب و نامه‌ها در چهار لایه (واژگانی، نحوی، کاربردشناسی، بلاغی) بررسی و تحلیل شده‌اند.

* **مکاتبات منظوم و مثنوی شعرا و فضلالی نامی ایران (اخوانیات و سلطانیات): سید وهاب قیاسی (۱۳۹۴):** از منظر علمی و پژوهشی نویسنده این کتاب کار جدیدی انجام نداده است. مقدمه نه چندان مفصل آن مطلب تازه‌ای ندارد. انتخاب نامه‌ها گاهی از منابع دست اول انجام نشده است

(به عنوان مثال نامه‌هایی که در کتاب‌هایی مستقل آمده‌اند از کتاب *تاریخ اجتماعی ایران* نقل شده- اند). نویسنده حتی قابوس‌نامه را هم مکتوب اخوانی دانسته و نمونه‌ای از آن نقل کرده است. بخش اول کتاب به نامه‌های منشور و بخش دوم به نامه‌های منظوم (که اخوانیه هستند) اختصاص دارد. نویسنده در انتهای هر نامه یا شعر توضیحات و حواشی‌ای افزوده است.

اما از منظری دیگر این کتاب می‌تواند مفید و ارزشمند باشد. نامه‌های منتخب از نظر موضوع و لفظ مناسب هستند و می‌توانند با مخاطب عام ارتباط برقرار کنند. توضیحات انتهای نامه‌ها به رغم سادگی و بهره‌نگرفتن از منابع دست اول برای یک خواننده عادی مفید است. مقدمه کتاب اطلاعاتی موجز و مفید (هرچند تکراری) دارد. در نظر گرفتن اخوانیات منظوم به عنوان نوعی از مکتوبات، ابتکاری تازه است.

در کل می‌توان گفت این کتاب بیشتر برای مخاطبین عام نوشته شده است تا برای پژوهشگران جدی حوزه منشآت و نشر فنی؛ و تلاشی است در راستای آشتی دادن علاقه‌مندان به ادبیات با مکاتیب.

۲-۱۱-۱- مقالات

در زمینه سبک‌شناسی و منشآت مقالات بسیاری نوشته شده است که از جمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به این موارد اشاره کرد:

* سلسله مقالات دبیری و نویسندگی: محمدتقی دانش‌پژوه (۱۳۴۹-۱۳۵۰): این شش مقاله که در مجله *هنر و مردم* منتشر شده‌اند اطلاعات همه‌جانبه‌ای راجع به دبیری و مجموعه منشآت به خواننده می‌دهند. نخستین مقاله به تاریخچه منشآت عربی و فارسی می‌پردازد؛ در مقالات دیگر کتب آیین دبیری و مجموعه‌های منشآت معرفی می‌شوند. در این مجموعه تحلیل و توصیف مفهومی و ساختاری انجام نشده، ولی برای آشنایی با مکاتیب و مباحث مرجع‌شناسی بسیار مفید است.

* پژوهشی در ساختار مجموعه‌های منشآت دبیری و تحول آیین‌های نگارش در دوره مغول («دستور الکاتب»، «الارشاد فی الانشاء»، «تحفه جلالیه»، «مصباح الرسائل و مفتاح الفضائل» و «نفائس الفنون فی عرائس العنون»): ریوکو واتابه (۱۳۷۹): این مقاله در یک مقدمه و چهار فصل تدوین شده است: پیدایش سنت تألیف و تدوین مجموعه‌های منشآت دبیری و آثار در آداب کتابت تا اواخر قرن ششم، *دستور الکاتب و الارشاد فی الانشاء* دو مجموعه منشآت محمد بن هندوشاه

نخجوانی، مجموعه منشآت دبیری در قرن هفتم و هشتم هجری، *تحفه جلالیه و دستور الکاتب*: رشد فنّ انشا در قرن هشتم هجری.

* کتابشناسی توصیفی منشآت، مکاتبات و نامه‌ها: نصرالله صالحی (۱۳۸۰): موضوع اصلی این مقاله مفصل صد صفحه‌ای کتابشناسی توصیفی است، ولی مقدمه‌ای مختصر و مفید در مورد منشآت، انواع آن، و تاریخچه گردآوری منشآت و مکاتیب دارد.

* تحلیل ساختار و سبک مکاتیب سنایی: محمد بهنام‌فر (۱۳۸۸): این مقاله با رویکرد سبک‌شناسی تاریخی نوشته شده است.

* سبک‌شناسی مکاتیب سنایی، نماینده نثر دوره گذار: ریحانه داوودی و دیگران (۱۳۹۵): در این مقاله *مکاتیب سنایی* به صورت همه‌جانبه بررسی شده است. نسخه‌ها، ساختار، سبک‌شناسی لایه‌ای متن و بینامتنیت مباحث بررسی شده در این مقاله هستند.

۳-۱۱-۱- پایان‌نامه‌ها

* نامه‌های سیاسی دیوانی تا پایان قرن ششم هجری. دانشجو: کیومرث جعفرمنش، راهنما: ولی‌الله ظفری. دانشگاه شهید چمران اهواز، ۱۳۷۲ (ارشد)

* تحول نثر ترسل و دبیری از آغاز تا پایان سده ششم. دانشجو: جلال بذرافکن، راهنما: یوسف نیری. دانشگاه شیراز، ۱۳۷۴ (ارشد)

* تاریخ تطور منشآت و مکاتیب فارسی (از آغاز تا قرن هشتم) دانشجو: حسینعلی احمدی-گرچی، راهنما: حسین خطیبی. دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۵ (ارشد)

* آیین دبیری در نثر فارسی از آغاز قرن هفتم تا پایان قرن هشتم. دانشجو: علیرضا شجاعی، راهنما: محمدحسین کرمی. دانشگاه شیراز، ۱۳۸۰ (ارشد)

* اصول و مبانی دبیری در متون کلاسیک (بر پایه تحلیل امّهات متون نثر فارسی تا قرن نهم). دانشجو: عباسقلی عابدیان، راهنما: عباسقلی محمدی. دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۹۱ (رساله دکتری)

در یک بررسی کلی می‌توان گفت هیچ‌یک از آثار یادشده به سبک‌شناسی انتقادی متون نپرداخته‌اند و بسیاری از جمله اکثر پایان‌نامه‌ها- تنها رویکردی تاریخ محور پیش گرفته و سیر تاریخی

منشآت و مکاتیب را بررسی کرده‌اند. جریان‌شناسی تحوّل نثر مکاتیب مغفول مانده و به کتب آیین دبیری نیز چندان پرداخته نشده است.

فصل دوم: سبک‌شناسی و انواع آن

۱-۲- تعریف سبک

«سبک» یا **style** مانند بسیاری از مفاهیم ادبی و زبانی، موضوعی شناخته شده است، ولی ارائه تعریفی جامع و مانع از آن مورد مناقشه بوده است. سبک در معنای امروزی آن، برای کسی که مطالعات ادبی و زبانی داشته باشد مفهومی روشن و مشخص است، هر چند که نتواند آن را تعریف کند. او می‌تواند تشخیص دهد که کدام متن قسمتی از کلیله و دمنه و کدام قسمتی از گلستان سعدی است و همچنین تفاوت بین شعر فروغ و مهدی اخوان ثالث را درمی‌یابد. هرچه نویسنده یا شاعری دارای سبک برجسته‌تری باشد، این تشخیص ساده‌تر است و به تخصص کمتری نیاز دارد. سبک محدود به متون ادبی نیست. حتی مردم عادی که شمّ زبانی اندکی داشته باشند، می‌توانند این مسئله را درک کنند؛ به عنوان مثال می‌توانند از دایره واژگان و لحن تحلیلی سیاسی -فارغ از محتوای آن- به جناح و گرایش نویسنده آن پی ببرند یا پیامک دوست خود را از پیامک والدین‌شان تشخیص دهند.

پیشینه سبک، مانند بسیاری از علوم ادبی، به یونان باستان می‌رسد.

«توجه به سبک و بحث از آن در ادبیات عربی از یونان باستان و در کتاب‌های مربوط به فنّ خطابه معمول و مطرح شده‌است و از دیرباز دو دیدگاه افلاطونی و ارسطویی مشخص و از یکدیگر متمایز بوده‌است.

بر حسب نظریه افلاطونی، سبک کیفیتی است که در برخی آثار وجود دارد و بعضی آثار فاقد آن هستند. در این مفهوم سبک به معنی هماهنگی کامل بین هدف و وسایل، یعنی اندیشه و الفاظی است که برای بازگو کردن آن به کار می‌رود و در حقیقت منظور از آن، منطبق بودن زبان نویسنده با موضوعی است که قصد گفتن آن را دارد. از این نظر نویسنده‌ای صاحب سبک است که توانسته باشد برای اندیشه خود کلمات و بیان مناسب را پیدا کند.

دیدگاه ارسطویی، سبک را نه به عنوان جوهری که در اثر وجود دارد (یا ندارد) بلکه به عنوان محصولی از عوامل متعددی در نظر می‌گیرد که در نوشته‌ای جمع می‌شود و آن نوشته را از بقیه متمایز می‌کند. از این جهت از نظر منتقدان این گروه، به تعداد نوشته‌ها سبک وجود دارد و سبک هر نویسنده‌ای به همان اندازه خاص اوست که حرکات و حالات صورت، خنده، طرز راه رفتن و دستخط او.» (میرصادقی، ۱۴۹: ۱۳۸۵)

«از سنکا خطیب بزرگ رومی نقل است که سبک را آشکارکننده سرشت و روح آدمی می‌دانسته و سخن را به حرکت زندگی آدمی مانده می‌کرده است... رومیان سبک را برای تعیین مرتبه سخن به کار می‌بردند. سیسرون و دیگر سخنوران پرآوازه رومی همواره به شیوه بیان و کیفیت خطابه توجه داشتند... آن‌ها سخن را با سه سبک والا، معتدل و عامیانه از هم متمایز می‌کردند.» (عبادیان، ۱۳۷۲: ۱۶-۱۷)

«تقسیم‌بندی سبک‌ها در آثار قدیم بسیار ساده و ابتدایی است؛ آنان به سبک ساده (سبک روشن و موجز اما خالی از صنعت‌گری، آنچه ما آن را سبک مرسل می‌نامیم)، سبک بلند و عالی (سبک مبالغه‌آمیز و پر از پندارها و اندیشه‌ها و صنعتگری‌ها) و سبک معتدل (حدّ وسط بین سبک ساده و سبک عالی) قائل بودند. از آمیزش این سبک‌ها نیز سبک‌های فرعی مانند سبک شکفته پدید می‌آمد که نوعی سبک مرسل بود با این تفاوت که در آن بیشتر از سبک ساده به آرایش و توصیف پرداخته بودند.» (محبوب: ۲۹-۳۰)

مفهوم سبک در دوران‌های بعد تغییر یافت و به مفاهیم متفاوتی در حقوق و هنر اطلاق شد. در قرون وسطی و رنسانس بحث درباره سبک از فنّ خطابه تجاوز پیدا کرد و به حوزه شعر و شاعری

گسترش یافت. در تعاریف هنری، به خصوص در دوران رمانتیسیسم و پس از آن، نظریه پردازان بر نقش فردیت و خویشتن آدمی در سبک تأکید کردند. (نک: عبادیان، ۱۳۷۲: ۱۷-۱۹ و میرصادقی، ۱۳۸۵: ۱۵۰)

پس از آن، به خصوص در قرن بیستم که دانش سبک‌شناسی به عنوان علمی جداگانه مطرح شد و جای فنّ سخنوری و طرز بیان (elocution) را که از مباحث علم بلاغت بود گرفت، (شمیسا، ۱۳۸۴: ۱۴۳) تعاریف بیشتر و جدیدتری از سبک و سبک‌شناسی ارائه شد. به عنوان مثال، با به وجود آمدن گرایش‌های زبان‌شناسانه در سبک‌شناسی، سبک‌زبان‌شناسان تعاریفی از این دست را مطرح کردند:

- لیچ^۱، زبان‌شناس انگلیسی: شیوه کاربرد زبان در یک بافت معین، به وسیله شخص معین، برای هدفی مشخص. (فتوحی، ۱۳۹۲: ۴۳)

- تودوروف، فیلسوف و نشانه‌شناس بلغاری-فرانسوی^۲: شیوه کاربرد واژه‌ها و چگونگی چینش آن‌ها در یک اثر زبان آن را پدید می‌آورد، و همین زبان ویژه است که سبک اثری را بازمی‌شناساند. باختین می‌گوید: سبک آن چیزی است که زبان را به بینشی مجسم و کاملاً فهمیدنی بدل می‌کند. (تودوروف، ۱۳۷۷: ۱۲۳)

به همین سبب، شمیسا سبک‌شناسی ادبی (Literary stylistics) را از سبک‌شناسی زبان-شناسانه (linguistic Stylistics) تفکیک می‌کند:

«زبان‌شناس بیشتر به دنبال کد یا سیستم زبانی است که سبک در آن مستتر است. او با توجه به زبان می‌خواهد سبک را تبیین کند، به محتوا توجه ندارد و همه چیز را در فرم، یعنی زبان، می‌جوید. بین ادبا و زبان‌شناسان اختلاف نظر است. ادبا می‌گویند چگونه می‌شود در بحث از مولانا عرفان را در نظر نداشت یا در بحث از فردوسی حماسه را مطرح نکرد؟» (همان: ۱۷)

می‌توان گفت تعاریف سبک‌شناسی، بسته به رویکرد سبک‌شناس و متن موردنظر او متفاوت بوده‌است. سیروش شمیسا، در کتاب کلیات سبک‌شناسی به درستی این مطلب را دریافته و به جای نقل یا ارائه تعاریف گوناگون از سبک، اظهارنظرهای نظریه‌پردازان را ذیل سه عنوان کلی تقسیم‌بندی می‌کند و آن‌ها را تعاریف سه‌گانه سبک می‌خواند:

^۱ Geoffrey Neil Leech (۱۹۳۶-۲۰۱۴)

^۲ Tzvetan Todorov (۱۹۳۹-۲۰۱۷)